

پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین براساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی

Predicting emotional divorce of couples based on family communication patterns and motivational structure

Mohammad Narimani
Mohaghegh Ardabili University
Saeid Rahimi &
Mehrnaz Sedaghat
Psychology

محمد نریمانی
دانشگاه محقق اردبیلی
سعید رحیمی* و
مه‌رناز صداقت
روان‌شناسی

چکیده: طلاق عاطفی از مهمترین آسیب‌هایی است که خانواده با آن مواجه بوده و مهمترین عامل از هم‌گسیختگی خانواده است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بود. یکصد و هشتاد و یک فرد متأهل (۸۷ مرد و ۷۴ زن) در این پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی (FCPQ-R)، پرسشنامه دغدغه‌های شخصی (PCI) و مقیاس طلاق عاطفی (EDS) را تکمیل کردند. نتایج نشان داد که طلاق عاطفی با ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت و شنود رابطه منفی و معنادار ولی با ساختار انگیزشی غیرانطباقی و الگوی ارتباطی هم‌نوایی رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ۴۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی توسط متغیرهای ساختار انگیزشی و الگوهای ارتباطی خانواده تبیین می‌شود. بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان بیان کرد که با ارائه آموزش‌های لازم در جهت بهبود الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی انطباقی زوجینی که مشکل طلاق عاطفی دارند یا متقاضی طلاق هستند می‌توان طلاق عاطفی را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: طلاق عاطفی، الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی

Abstract: Emotional divorce is one of the most important traumas that the family faces and is the most important factor in family breakdown. The purpose of this study was to investigate the role of family communication patterns and motivational structure in predicting emotional divorce of couples. One hundred sixty-one married individuals (87 males and 74 females) participated in the study. Participants completed the Revised Communication Patterns Questionnaire (FCPQ-R), the Aspects Questionnaire (PCI) and the Emotional Divorce Scale (EDS). The results showed that emotional divorce was correlated negatively with adaptive motivational structure and communication pattern, but positively with non-adaptive motivational structure and conformity pattern. The results of regression analysis also showed that 45% of the variance of emotional divorce was explained by the motivational structure variables of family communication patterns. Based on the results, it can be stated that by providing the necessary training to improve family communication patterns and adaptive motivational structure of couples who have emotional divorce or are seeking divorce, emotional divorce can be reduced.

Keywords: emotional divorce, family communication patterns, motivational structure

*نشانی پستی نویسنده مسوول: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی. پست الکترونیکی: rahimi_saeid693@yahoo.com

Received: 1 Oct 2018

Accepted: 2 Mar 2019

دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

مقدمه

خانواده^۱ نخستین و منحصر به فردترین نهاد اجتماعی است که سلامت و بهروزی یک جامعه را مرهون سلامت و رضایت اعضای آن دانسته‌اند و تأثیر هیچ نهاد و رابطه‌ای به آن اندازه از دوام عمیق و شدید برخوردار نیست (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۲). آنچه در یک خانواده اتفاق می‌افتد و عملکرد آن، می‌تواند یک عامل کلیدی در ایجاد انعطاف‌پذیری و کاهش خطرات زمان حال و آینده در رویارویی با وقایع و شرایط نامطلوب باشد (زوربیک، سیلبرن و دی‌موجو، ۲۰۰۶). طلاق یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی^۲ است که فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسایی، توسلی و مهرآرا، ۲۰۱۱). طلاق سبب بالا رفتن استعداد ابتلا به بیماری (بلوم و آشر و وایت، ۱۹۷۸؛ بجورکنستام، هالکویست، دالمن و جانک، ۲۰۱۳) و ریسک مرگ زودهنگام (اسبارا و لاو و پارتلی، ۲۰۱۱؛ دونروویچ و درپپال و کاپیل، ۲۰۱۴؛ شور، رلفز، بوگی و استوارتز، ۲۰۱۲) می‌شود. پژوهش‌ها از ارتباط طلاق و افسردگی^۳ خبر می‌دهند (اسبارا، امری، بیم و اوکر، ۲۰۱۴). علاوه بر این، طلاق همسران بر کیفیت زندگی و عملکرد فرزندان نیز تأثیر منفی می‌گذارد (آنتونی، دیپرنا و آماتو، ۲۰۱۴). از دیگر سو عواملی مانند محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات اقتصادی، ازدواج‌های تحمیلی، ترس و فرار از تنها ماندن، چشم و هم‌چشمی با دوستان و فامیل در امر ازدواج، خشونت و عصبانیت و ... گاهی مانع جدایی رسمی همسرا می‌شود (منادی، ۱۳۸۳).

همچنین نتایج پژوهش‌ها تأیید کرده‌اند که زنان مطلقه به‌صورت معناداری استرس^۵، اضطراب^۶ و عدم تحمل بلا تکلیفی بالا (اسماعیل پور، محمدزادگان، قاسم بکلو و وکیلی، ۱۳۹۲) و الگوهای ارتباطی^۷ آشفته‌تر و تحمل پریشانی^۸ پایین‌تری نسبت به زنان غیرمطلقه دارند و این قبیل عوامل ممکن است زوجین را در گرفتن تصمیم برای طلاق رسمی مردد کند (امین‌الرعا،

کاظمیان و اسمعیلی، ۱۳۹۵). طلاق را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: طلاق آشکار^۹، که در آن زوجین با مراجعه به دادگاه به‌طور رسمی از یکدیگر جدا می‌شوند و طلاق پنهان، که در این حالت زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند که به این نوع طلاق، طلاق عاطفی^{۱۰} و یا خاموش نیز گفته می‌شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش صالحی امیری، حکمت پور و فدایی (۱۳۹۳) نشان داد خانواده‌هایی که در آنها طلاق عاطفی وجود دارد نسبت به خانواده‌های عادی قادر به حل مشکلات و تعارض‌های خود نیستند، ارتباط عاطفی اعضای خانواده ناکارآمد و مختل است و در زمینه تعامل نقش‌ها و عملکرد کلی به‌طرز ضعیفی عمل کرده‌اند. در حقیقت آثار و پیامدهای طلاق عاطفی بیشتر از طلاق آشکار یا قانونی است (هاشمی و همایونی، ۲۰۱۷؛ به نقل از خان محمدی، بزازیان، امیری مجد و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین بین طلاق عاطفی با کیفیت زندگی^{۱۱} و اعتماد^{۱۲} در روابط زناشویی رابطه معکوس وجود دارد (احمدوند، احمدوند و بابایی، ۱۳۹۶). تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که ممکن است به علل متنوع و گوناگونی برای زوجین اتفاق بیافتد (یونگ و لونگ، ۱۹۹۸).

یکی از عواملی که می‌تواند در طلاق عاطفی مؤثر باشد، الگوهای ارتباطی خانواده^{۱۳} است. در الگوهای ارتباطی خانواده دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت و شنود^{۱۴} و جهت‌گیری همنوایی^{۱۵} مطرح شده است (فیتز پاتریک و ریچی، ۱۹۹۴). در خانواده‌هایی که گفت و شنود وجود دارد، اعضای خانواده به‌طور مکرر و به‌صورت خودانگیخته با یکدیگر در تعامل هستند، به‌طور آزادانه درباره موضوع‌های مختلف با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند و با همفکری، تصمیم‌های مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند. جهت‌گیری همنوایی به این معناست که روابط خانواده بر همسان بودن بازخوردها، ارزش‌ها، عقاید و اجتناب از تعارض تأکید می‌کند (کوئرر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷). در زمینه ارتباط الگوهای ارتباطی

9. obvious divorce

10. emotional divorce

11. quality of life

12. confidence

13. family communication pattern

14. conversation

15. conformity

1. family

2. divorce

3. family injuries

4. depression

5. stress

6. anxiety

7. communication patterns

8. tolerance of distress

تایلر، گاریسون، بلاک و همکاران^۶ (۲۰۰۳) طلاق عاطفی را هرگز یک پدیده‌ی تک عاملی ندانستند و در تحقیق خود نشان دادند که با به هم خوردن تصورات^۷ و انتظارات^۸ افراد از یکدیگر بعد از ازدواج پیوندهای عاطفی بینشان شکست می‌خورد و به طلاق عاطفی منجر می‌شود. همچنین کیفیت زندگی زنان مبتلا به طلاق عاطفی، در حد پایین و کیفیت زندگی زنان عادی در حد بالایی است (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲). به دنبال طلاق زوجین، تغییرات در داخل بنیان یک خانواده اتفاق می‌افتد که هم بر والدین به‌طور کلی و هم بر کودکان به‌طور خاص تأثیر می‌گذارد (ایلون و فلشر، ۲۰۰۴). علاوه بر این، تغییرات در ساختار خانواده موجب تغییر در رفتارها و فرایندهای روانی همه اعضای آن نظام می‌شود (مینوچین، ۱۹۷۴). با توجه به اینکه طلاق عاطفی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که خانواده با آن مواجه است و رشد روزافزون آن در جامعه و پیامدهای ناشی از آن، پرداختن به این موضوع، امری ضروری به‌نظر می‌رسد. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا متغیرهای الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود، هم‌نوایی و ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی با طلاق عاطفی افراد متأهل رابطه دارد؟

بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به این صورت طراحی شدند: فرضیه اول) الگوی ارتباطی گفت‌وشنود افراد متأهل با طلاق عاطفی آنها رابطه منفی دارد. فرضیه دوم) الگوی ارتباطی هم‌نوایی افراد متأهل با طلاق عاطفی آنها رابطه مثبت دارد. فرضیه سوم) ساختار انگیزشی انطباقی افراد متأهل با طلاق عاطفی آنها همبستگی منفی دارد. فرضیه چهارم) ساختار انگیزشی غیرانطباقی افراد متأهل با طلاق عاطفی آنها رابطه مثبت دارد. فرضیه پنجم) بین الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی و ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی افراد متأهل با طلاق عاطفی آنها روابط چندگانه وجود دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش تحقیق مطالعه حاضر با توجه به موضوع آن توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این

خانواده با طلاق عاطفی، تحقیقات پیشین مستقیمی موجود نیست. اما پژوهش‌های انجام شده نشان داده است که بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف رابطه معناداری وجود دارد و ابعاد الگوهای ارتباطی قادر به پیش‌بینی کنترل عواطف زوجین است (ملکی‌زاده، مرادخواه، ملکی و حبیب، ۱۳۹۵). همچنین نتایج تحقیقی دیگر نشان داد که ساختار قدرت در خانواده و الگوهای ارتباطی خانواده می‌تواند روابط صمیمانه^۱ زوجین را پیش‌بینی کند (خواهانی‌پور و چیناوه، ۱۳۹۵). از سویی دیگر نیز عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین، می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند (پرویزی، سرابی، سالمی و کلهری، ۱۳۹۵). مطالعه ولکات و هوگس و الن (۱۹۹۹) در استرالیا نشان داد مشکلات و مسائل ارتباطی، شایع‌ترین علت طلاق است.

از عوامل دیگری که می‌تواند بر طلاق عاطفی زوجین تأثیر بگذارد ساختار انگیزشی^۲ است. طبق دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) اهداف، نقش کلیدی در زندگی بشر ایفا می‌کنند و انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب و تعقیب یک هدف است. افرادی که باور دارند که به اهدافشان خواهند رسید، نسبت به افرادی که چنین باوری ندارند، معمولاً شادی و رضایت بیشتری از زندگی خود دارند. در دیدگاه ککس و کلینگر (۲۰۰۴) انگیزش به‌عنوان فرآیندهایی تعریف می‌شود که راه‌های رسیدن به هدف را میسر می‌سازند. بر این اساس، اهداف فرد و شیوه‌های جستجوی آنها ساختار انگیزشی نامیده می‌شوند. صالحی فدری، باقری نژاد، فرزانه و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی^۳ نشان دادند که سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی می‌تواند عامل مهمی در تعیین رضایت زناشویی باشد. همچنین تحقیقات الیوت و چرچ (۲۰۰۲) نشان داده است که بین خلق‌وخوی گرایشی^۴ از یک طرف و هیجانات مثبت^۵ و فعال‌بودن در تعقیب هدف، همبستگی قوی وجود دارد. همین‌طور بین خلق‌وخوی اجتنابی و رفتارهای نوروتیک، هیجانات منفی و منفعل‌بودن در تعقیب هدف نیز همبستگی قوی وجود دارد.

6. Tiller, A. E., Garrison, M. B., Block, E. B.

7. imaginations

8. expectations

1. sincere relations

2. motivational structure

3. marital Satisfaction

4. tendentious mood

5. positive emotions

فیتزپاتریک (۲۰۰۲) در بررسی‌های خود نشان داده‌اند این ابزار از روایی محتوایی^۶، ملاکی^۷ و سازه‌ای^۸ خوبی برخوردار است. در ایران نیز کوروش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) نسخه فارسی مقیاس و روایی آن را مطلوب و ضریب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی را به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه دغدغه‌های شخصی (PCI). پرسشنامه دغدغه‌های شخصی^۹ (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴) فرم تجدیدنظر شده و کوتاه از پرسشنامه ساختار انگیزشی^{۱۰} (MSQ؛ کلینگر، ککس، بلونت، آلن و کلمبوس، ۱۹۹۵) است. از شرکت‌کنندگان خواسته نمی‌شود که نگرانی‌های خود را توصیف کنند بلکه از آنها خواسته می‌شود که فقط به مهمترین اهداف خودشان در هر حوزه از زندگی نمره دهند (ککس و کلینگر، ۲۰۰۴). حوزه‌های زندگی شامل موضوعات و مسائل مربوط به خانه، دوستان و آشنایان، عشق و صمیمیت و مسائل جنسی، تغییرات خود، شغل و درآمد، اوقات فراغت و تفریح، بهداشت و سلامت، آموزش و تحصیل، مسائل و امور معنوی، سیگار و سایر موارد می‌شود. بعد از این که شرکت‌کنندگان در مورد یک نگرانی خاص در حوزه زندگی‌شان تصمیم گرفتند، از آنها خواسته شد که به اهدافشان برای حل این نگرانی در ۱۱ بعد نمره بدهند (دامنه نمره هر مقیاس از ۰ تا ۱۰ است). این ۱۱ بعد عبارت بودند از: (۱) دست یابی^{۱۱} (میزان گرایش یا تمایل برای رسیدن به هدف)؛ (۲) اجتناب^{۱۲} (پیشگیری یا اجتناب از رسیدن به هدف)؛ (۳) کنترل^{۱۳} (میزان کنترل در مورد آن هدف)؛ (۴) میزان اطلاعات (درباره نحوه دستیابی به آن هدف)؛ (۵) احتمال موفقیت^{۱۴} (در صورت تلاش)؛ (۶) شانس^{۱۵} (اعتقاد شرکت‌کننده به شانس برای دستیابی به اهداف بدون انجام تلاش)؛ (۷) خشنودی^{۱۶} در صورت رسیدن به هدف (که انتظار می‌رود با دستیابی به اهداف حاصل شود)؛

پژوهش کلیه زنان و مردان متأهل شهر اردبیل در نیمه اول سال ۱۳۹۷ بودند. حجم گروه نمونه با توجه به نوع پژوهش و با در نظر گرفتن این که در تحلیل رگرسیون چندمتغیری حجم نمونه باید ۱۲ تا ۲۰ برابر تعداد متغیرها باشد (هومن، ۱۳۸۰) و از طرفی نیز در تحقیقات توصیفی حداقل تعداد نمونه ۱۰۰ نفر است (دلور، ۱۳۸۰)، به منظور افزایش روایی^۱ بیرونی تعداد ۱۶۱ نفر (۸۷ نفر مرد و ۷۴ نفر زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس^۲ انتخاب شدند. برای دسترسی به نمونه ابتدا جهت بلوک‌بندی به شهرداری شهر مراجعه شد. شهر اردبیل به ۵ منطقه در شهرداری تقسیم می‌شود. بر این اساس از هر منطقه به‌طور تصادفی ۱۳ خیابان انتخاب شد و با مراجعه به درب منازل و جلب رضایت یکی از زوجین برای شرکت در پژوهش پرسشنامه‌های پژوهش توسط این افراد تکمیل شد. لازم به ذکر است ملاک‌های شمول در این پژوهش شامل گذشت حداقل یک سال از ازدواج و حداقل تحصیلات سوم راهنمایی و ملاک‌های عدم شمول شامل ابتلا یکی از زوجین به مشکلات شدید روانی و جسمی بود.

ابزارسنجش

پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (FCPQ-R). پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^۳ توسط کوئرتر و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) طراحی شد و دارای ۲۶ آیت پنج گزینه‌ای از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره یک)، در زمینه ارتباطات خانوادگی است. ۱۵ گزاره اول اختصاص به بعد گفت‌و شنود دارد و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به بعد هم‌نوایی است. نمره بیشتر در هر بخش به این معناست که آزمودنی استنباط می‌کند در خانواده او جهت‌گیری گفت‌و شنود یا هم‌نوایی بیشتری وجود دارد. پایایی^۴ این ابزار در مطالعات بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است. میانگین آلفای کرونباخ^۵ در مورد زیرمقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود در پنج مطالعه ۰/۸۹ و دامنه آن بین ۰/۸۴ تا ۰/۷۳ گزارش شده است (کوئرتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). کوئرتر و

6. content validity
7. criterion validity
8. construct validity
9. Personal Concern Inventory (PCI)
10. Motivational Structure Questionnaire (MSQ)
11. achievement
12. avoidance
13. control
14. chances of success
15. chances
16. pleasure

1. validity
2. convenience Sampling
3. Family Communication Patterns-Revised Questionnaire (FCPQ-R)
4. reliability
5. cronbach's alpha

قرار گرفت. این مقیاس شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد که ۲۴ ماده دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز ۱ و پاسخ خیر ۰ می‌گیرد. پس از جمع عبارات با یکدیگر، حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس به ترتیب ۰ و ۲۴ است؛ بدین‌صورت که در نمره بین ۰ تا ۸ احتمال جدایی در زندگی ضعیف است. در نمره بین ۸ تا ۱۶ احتمال جدایی متوسط و در نمره بالاتر از ۱۶ احتمال جدایی بالا است؛ بنابراین نمرات بالا در این مقیاس نشان می‌دهد که احتمال طلاق عاطفی بیشتر است (گاتمن، ۱۳۸۷/۱۹۹۵). در نسخه اصلی ضریب پایایی مقیاس بالای ۰/۷۰ گزارش شده است. در نسخه ایرانی مقیاس از روش آلفای کرونباخ برای تعیین ضریب پایایی مقیاس استفاده شد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد (مامی و عسگری، ۱۳۹۳؛ به نقل از سودانی، کریمی و شیرالی نیا، ۱۳۹۵). همچنین در پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) روایی محتوایی مقیاس مطلوب گزارش شده است.

یافته‌ها

برای بررسی نرمال بودن توزیع فراوانی داده‌ها از آزمون کالموگراف-اسمیرنوف^۸ استفاده شد که نتایج آن نشان داد که داده‌ها دارای توزیع نرمال بودند. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای طلاق عاطفی، ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی، الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی را نشان می‌دهد.

(۸) ناخشنودی^۱ (در صورت رسیدن به هدف)؛ (۹) ناراحتی^۲ (حاصل از نرسیدن به آن هدف)؛ (۱۰) تعهد^۳ (میزان مصمم بودن برای رسیدن به هدف)؛ (۱۱) مدت زمان^۴ (مدت زمان احتمالی مورد نیاز برای دستیابی به اهداف) (کاکس و کلینگر، ۲۰۰۴). ابعاد ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰ و ۱۱ به‌عنوان نشانگرهای سازه مکنون رفتار انطباقی و ابعاد ۵، ۸ و ۹ به عنوان نشانگرهای سازه مکنون رفتار غیرانطباقی وارد تحلیل شدند. شواهد حاکی از روایی و پایایی قابل‌قبول پرسشنامه ساختار انگیزشی MSQ است. در تأیید روایی MSQ برای نمونه، پژوهشی است که نشان می‌دهد رسانایی پوستی^۵ در آزمودنی‌ها با مشاهده اهدافی که در پرسشنامه MSQ انتخاب کرده بودند، افزایش می‌یابد (نیکولا، کلینگر، لارسن و گاتمن^۶، ۱۹۹۳؛ به نقل از ککس و کلینگر، ۲۰۰۲). همچنین، در پژوهش دیگری مشخص شد بین رؤیاهای شرکت‌کنندگان و محتوای دغدغه‌های جاری آنها، که قبل از خواب برای آنها خوانده شده بود، رابطه وجود دارد (ککس و کلینگر، ۲۰۰۲). در پژوهش فداردی (۲۰۰۳)، فرم خلاصه شده PCI با ۱۰ شاخص، بر روی دو نمونه شامل دانشجویان و سوءمصرف‌کنندگان الکل صورت گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه شامل دانشجویان ۰/۷۷ و برای نمونه شامل سوءمصرف‌کنندگان الکل ۰/۷۵ محاسبه شد.

مقیاس طلاق عاطفی (EDS). مقیاس طلاق عاطفی^۷ که توسط گاتمن (۱۹۹۵) تدوین شده است، برای نخستین بار توسط جزایری (۱۳۸۷) در ایران ترجمه شد و مورد استفاده

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای طلاق عاطفی، ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی، الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی

متغیر	M	SD	حداقل نمره	حداکثر نمره
طلاق عاطفی	۱۳/۱۱	۲/۶۹	۵	۱۹
ساختار انگیزشی انطباقی	۶۵/۱۹	۱۴/۹۲	۱۲	۷۱
ساختار انگیزشی غیرانطباقی	۳۶/۰۸	۲۰/۱۶	۱۸	۴۸
الگوی ارتباطی هم‌نوایی	۳۲/۰۸	۸/۴۶	۵	۵۱
الگوی ارتباطی گفت‌وشنود	۲۷/۴۴	۸/۲۴	۱۹	۷۶

8. kolmogorove – Smirnov test

1. displeasure
2. discomfort
3. commitment
4. period of time
5. skin conductance
6. Nicola, Klinger, Larsen & Gatman
7. Emotional Divorce Scale (EDS)

جدول ۲ یافته‌های مربوط به بررسی فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول ساختار انگیزشی غیرانطباقی و الگوی ارتباطی هم‌نوایی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنادار و ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود با طلاق عاطفی همبستگی منفی و معنادار دارد، بنابراین فرضیه‌های اول تا چهارم پژوهش تأیید می‌شوند. ضریب همبستگی بین ساختار انگیزشی انطباقی، ساختار انگیزشی غیرانطباقی، الگوی ارتباطی هم‌نوایی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود به ترتیب $-0/38$ ، $0/51$ ، $0/37$ و $-0/32$ است که همگی در سطح $p < 0/001$ معنادار هستند.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین متغیرهای طلاق عاطفی، ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی، الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی با طلاق عاطفی

متغیر	طلاق عاطفی
ساختار انگیزشی انطباقی	$-0/38$
ساختار انگیزشی غیرانطباقی	$0/51$
الگوی ارتباطی هم‌نوایی	$0/37$
الگوی ارتباطی گفت‌وشنود	$-0/32$

$$p < 0/001$$

الگوی ارتباطی هم‌نوایی، ساختار انگیزشی انطباقی و الگوی ارتباطی گفت‌وشنود برابر $R^2 = 0/45$ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار است. بنابراین فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌شود. ۶۴ درصد از واریانس طلاق عاطفی توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین است.

نتایج حاصل از بررسی فرضیه پنجم در جدول ۳ مشخص شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، طبق نتایج حاصل از رگرسیون به روش هم‌زمان ضریب همبستگی چندمتغیری برای ویژگی‌های ساختار انگیزشی غیرانطباقی،

جدول ۳

ضرایب همبستگی چندگانه بین ساختار انگیزشی انطباقی، غیرانطباقی و الگوهای ارتباطی خانواده گفت‌وشنود و هم‌نوایی با طلاق عاطفی زوجین (به روش هم‌زمان)

متغیر پیش‌بین	B	SE	β	T	Sig
مقدار ثابت	۱۳/۹۶	۱/۳۷	-	۱۰/۱۶	۰/۰۰۰
ساختار انگیزشی انطباقی	$-0/01$	۰/۰۰۷	$-0/17$	$-2/30$	۰/۰۳
ساختار انگیزشی غیرانطباقی	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۲۸	۴/۳۲	۰/۰۰۰
الگوی ارتباطی هم‌نوایی	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۴	۲/۲۴	۰/۰۲
الگوی ارتباطی گفت‌وشنود	$-0/03$	۰/۰۱	$-0/23$	$-3/34$	۰/۰۰۱

$$R^2 = 0/45$$

رابطه دارد؟ یافته‌ها نشان داد که بین الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های بهاری، فاتحی‌زاده، احمدی و همکاران (۱۳۹۰)،

بحث

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که آیا متغیرهای الگوهای ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی و ساختار انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی با طلاق عاطفی افراد متأهل

همکاران (۱۳۹۵) بیان کردند که ارتباط کلامی و گفتگو بین زوجین تا ۳۸ درصد توانایی کاهش طلاق بین زوجین را دارد. پس با توجه به مواردی که بیان شد می‌توان رابطه بین الگوهای ارتباطی گفت‌وگوشنود و طلاق عاطفی را توجیه کرد.

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه رابطه بین الگوی ارتباطی همنوایی و طلاق عاطفی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در راستای تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که در الگوی ارتباطی همنوایی اعضای خانواده تشویق می‌شوند تا از نظر ارزشی، نگرشی و اعتقادی شبیه همدیگر شوند تا از تعارض در تعاملات اجتناب کنند که به نوعی از خودجوشی و استقلال نظر آنان کاسته می‌شود (کورنر و فیزپاتریک، ۱۹۹۷). ارائه اعتقادات و باورهای تحمیلی از سمت خانواده بر اعضای خود در الگوی ارتباطی همنوایی بر خودپنداره فرد تأثیر می‌گذارد و از آنجایی که فرد میل درونی به استقلال و فردیت دارد دچار تعارض درونی می‌شود و این تعارض موجب آشفتگی‌های روانی و افسردگی می‌شود. هر طلاق عاطفی، از دیدگاه علی در نوع خود بی‌نظیر است زیرا یک زن و شوهر با توجه به شخصیت، خانواده و عوامل تاثیرگذار دیگر، رابطه خاص و منحصر به فرد و بینظیری را فراهم می‌آورند که قطع این رابطه نیز با پیوند عوامل خاص و شبکه‌ای منحصر به فرد از عوامل صورت‌پذیر است (صالح، ۱۳۹۶). در این بین خانواده و دوستان هر یک از زوجین نقش بسزایی دارند. وجود ارتباط مناسب با خانواده منجر به کاهش تنش و ناآرامی بین زوجین شده و رفع و رجوع مشکلات آنان بسیار تأثیرگذار است. زوجینی که از سوی دوستان و خانواده خود حمایت مناسب دریافت می‌نمایند، در حل مشکلات و مسائل خود بیشتر مشتاق به گفتگو هستند که این عامل در کاهش طلاق عاطفی زوجین نقش دارد.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر ارتباط منفی معنادار بین ساختار انگیزشی انطباقی و ارتباط مثبت بین ساختار انگیزشی غیرانطباقی با طلاق عاطفی اشاره کرد. در واقع همسرانی که ساختار انگیزشی انطباقی داشتند، مستعد طلاق عاطفی نبودند. اما همسرانی که ساختار انگیزشی غیرانطباقی داشتند، مستعد طلاق عاطفی بودند. در تبیین این نتایج می‌توان بیان کرد که ساختار انگیزشی شامل عوامل درون فردی و بین فردی است که در موفقیت یا شکست فرد در دستیابی به اهداف نقش

ریچارد^۱ و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از صدری، صمدی‌فرد، دریادل و همکاران (۱۳۹۵)، جاکوبسکی (۲۰۰۴) که معتقدند مهارت‌های ارتباطی همسران از جمله مهارت گفت‌وگوشنود در تعارضات زناشویی مؤثر بوده و می‌تواند در زوجین را به سمت طلاق عاطفی سوق دهد. در خصوص تبیین نتایج به دست آمده، می‌توان بیان نمود که براساس نظر بوهرانان^۲ (۱۹۷۰)، به نقل از اولسن و دفراين، ۲۰۰۶) طلاق عاطفی بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد است، اگرچه این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است (لعل‌زاده کندکلی، اصغری ابراهیم‌آباد و حصار سرخی، ۱۳۹۴). عوامل مختلفی می‌تواند در بروز طلاق عاطفی زوجین مؤثر باشد. متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار را با میزان طلاق عاطفی دارند (پروین و همکاران، ۱۳۹۰). در الگوی گفت و شنود تمامی اعضا تشویق می‌شوند که بدون ترس و محدودیت نظرات خود را ابراز کنند و آزادانه در بحث‌ها شرکت کنند. این نوع الگوی ارتباطی بیشتر در کشورهای غربی جریان دارد و در آنجا بر فردیت و ابراز آزادانه نظرات تأکید می‌شود و درحالی‌که در فرهنگ ایرانی بیشتر الگوی همنوایی مطرح است و فرد نمی‌تواند نظرات خود را به راحتی ابراز کند. در فرهنگ شرقی اگر کسی قاطع باشد و نظرات، دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را صریحاً ابراز کند با انتظارات گروه هماهنگ نیست و خودخواه و گستاخ تلقی می‌شود (عسکری و همکاران، ۲۰۱۵). یکی دیگر از تبیین‌های احتمالی یافته مذکور در پژوهش عسکری و همکاران (۱۳۹۴) کاملاً بیان شده است، بدین صورت که ارتباط مثبت و معنادار بین الگوی ارتباطی گفت‌وگوشنود با سلامت عمومی، سلامت عاطفی و کیفیت زندگی و ارتباط منفی بین الگوی ارتباطی همنوایی با سلامت عمومی، عملکرد جسمانی، عملکرد اجتماعی، نشاط، سلامت عاطفی و کیفیت زندگی می‌تواند غیرمستقیم سلامت روان‌شناختی افراد را تحت تأثیر قرار داده و طلاق عاطفی را بین زوجین سبب شود. به‌طوری‌که ریچارد و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از صدری و

1. Richard
2. Bohannan

انگیزشی انطباقی و غیرانطباقی) بخشی از واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی کردند. برای تبیین نتیجه مذکور می‌توان به مهم‌ترین ویژگی‌های هر یک از متغیرهای پیش‌بین که می‌تواند زمینه ایجاد طلاق عاطفی را فراهم یا از به‌وجود آمدن آن در بین زوجین جلوگیری کند اشاره نمود. الگوی ارتباطی گفت‌وشنود با از بین بردن تعارضات زناشویی و سوء تفاهم‌ها در ارتباطات بین فردی زوجین زمینه را برای افزایش رضایت‌مندی زناشویی فراهم و از طلاق عاطفی جلوگیری کند. الگوی ارتباطی هم‌نوایی با به خطر انداختن سلامت روان‌شناختی افراد، ریسک ابتلا آنها به اختلالات روان‌شناختی را افزایش و از این طریق می‌تواند موجب طلاق عاطفی شود. ساختار انگیزشی افراد نیز می‌تواند عاملی مؤثر در ایجاد طلاق عاطفی یا جلوگیری از آن باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع مطالعه که از نوع مطالعات همبستگی اشاره نمود، روابط دست آمده را نمی‌توان به‌عنوان روابط علی تفسیر کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن پژوهش به زوجین شهر اردبیل اشاره کرد که این موجب محدودیت در تعمیم نتایج می‌شود. برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج به پژوهش‌های بیشتری در شهرهای مختلف نیاز هست. برگزاری کارگاه‌های مختلف برای آموزش الگوهای صحیح ارتباط برای خانواده‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد. پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌هایی در مراکز مشاوره با حضور همسرانی که از وجود مشکل طلاق عاطفی رنج می‌برند یا متقاضی طلاق هستند و ارائه آموزش‌های لازم به آنان در جهت بهبود الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار انگیزشی انطباقی، در کاهش طلاق عاطفی کمک کرد.

و غیرمطلقه به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده افسردگی، اضطراب

و استرس. زن و مطالعات خانواده، ۶، ۲۵-۷.

امین‌الرایا، ر.، کاظمیان، س.، و اسمعیلی، م. (۱۳۹۵).

پیش‌بینی تحمل پریشانی براساس مؤلفه‌های ارتباطی

خانواده مبدأ در زنان مطلقه و غیرمطلقه. فصلنامه علمی

پژوهشی زن و جامعه، ۷، ۱۰۶-۹۱.

تعیین‌کننده‌ای دارد. انجام هر کاری در زندگی مستلزم انتخاب یک هدف و تعقیب آن در زندگی است. تعقیب یک هدف مناسب برای رسیدن به سلامت روان‌شناختی، از اهمیت خاص برخوردار است (کاکس و کلینگر، ۲۰۰۳). نتایج تحقیقات نشان داده است که ساختار انگیزشی غیرانطباقی در کاهش رضایت از زندگی همسران نقش مهمی دارد. سلیمانیان (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان بررسی اثربخشی و کارآمدی مشاوره انگیزشی نظام‌مند بر تعارض زناشویی به این نتیجه دست یافت که کاهش در بعد انطباقی ساختار انگیزشی، با آشفستگی‌های بیشتر زناشویی همراه بود. نتایج تحقیقات صالحی فردری و همکاران (۱۳۹۰)، نشان داد افزایش در انگیزش انطباقی، افزایش در رضایت زناشویی کلی و مؤلفه‌های آن را پیش‌بینی می‌کند و به‌نظر می‌رسد سطح کلی موفقیت در دستیابی به اهداف در حیطه‌های مختلف زندگی، می‌تواند عامل مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی باشد. همچنین راسل - چاپین، چاپین و ساتلر (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که شیوه دستیابی افراد به اهداف در رضایت زناشویی آنها مؤثر است. از طرفی نیز پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین ساختار انگیزشی و سلامت عمومی (کارتر - اسنیل و هگادرون، ۲۰۰۳) رابطه مثبت معنادار و بین ساختار انگیزشی و مشکلات زناشویی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد (کیوی‌ماکی، سوتینن، الووانیو، واهترا، واسانن و همکاران، ۲۰۰۱). مشکلات زناشویی بیشتر باعث تمایل زوجین به طلاق شده و از آنجایی که طلاق رسمی به دلایلی برای همه زوجین امکان‌پذیر نیست پس به احتمال بیشتری به طلاق عاطفی روی می‌آورند. پس می‌توان ارتباط ساختار انگیزشی زوجین را با طلاق عاطفی توجیه کرد. نتایج حاصل از فرضیه پنجم، نشان داد که هر ۴ متغیر پیش‌بین (الگوی ارتباطی گفت‌وشنود و هم‌نوایی و ساختار

منابع

ابراهیم‌آباد، م.، و حصار سرخی، ر. (۱۳۹۴). بررسی نقش

طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی.

مجله روانشناسی بالینی، ۷، ۱۰۱-۱۰۸.

اسماعیل‌پور، خ.، محمدزادگان، ر.، قاسم بکلو، ی.، و وکیلی،

س. (۱۳۹۲). مقایسه عدم تحمل بلا تکلیفی در زنان مطلقه

- بهارى، ف.، فاتحى زاده، م.، احمدى، ا.، مولوى، ح.، و بهرامى، ف. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱، ۷۰-۵.
- بیات مختاری، ث. (۱۳۹۲). *اثر بخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش طلاق عاطفی و پیامدهای روان‌شناختی آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- پرویزی، ف.، سرابی، پ.، سالمی، ح.، و کلهری، ن. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین. *ماهنامه پژوهش ملل*، ۲، ۱۱۱-۱۲۵.
- پروین، س.، داوودی، م.، و محمدی، ف. (۱۳۹۰). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۴، ۱۵۳-۱۱۹.
- خان‌محمدی، ذ.، بزازیان، س.، امیری‌مجد، م.، و قمری، م. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. *روانشناسی خانواده*، ۵، ۳۰-۱۷.
- خواهانی‌پور، م.، و چین اوه، م. (۱۳۹۵). *پیش‌بینی روابط صمیمانه براساس الگوهای ارتباطی خانواده و ساختار قدرت در خانواده در زوجین. نهمین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی (اجلاس آسیایی در بستر ارزش‌های فرهنگی)*، تهران، دبیرخانه کنگره بین‌المللی روان‌درمانی.
- دلاور، ع. (۱۳۸۰). *مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ اول. تهران: انتشارات رشد.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۸۴). *بررسی اثربخشی و کارآمدی مشاوره انگیزشی نظام‌مند بر تعارض زناشویی*. پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سودانی، م.، کریمی، س.، و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۵). *اثر بخشی مشاوره با تأکید بر نظریه انتخاب در کاهش طلاق عاطفی زوجین. روانشناسی خانواده*، ۳، ۹۲-۸۳.
- صالح، م. (۱۳۹۶). *عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی میان زوج‌ها. فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی*، ۱، ۱۸-۱۲.
- صالحی امیری، ر.، حکمت‌پور، م.، و فدایی، م. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر طلاق عاطفی بر عملکرد خانواده، کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، موسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا*.
- صالحی فدیری، ج.، باقری‌نژاد، م.، فرزانه، ز.، و طالبیان شریف، ج. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین ساختار انگیزشی و رضایت زناشویی. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۱، ۱۵۲-۱۳۳.
- صدری دمیرچی، ا.، صمدی فرد، ح.، دریادل، س. ج.، و حیدری‌راد، ح. (۱۳۹۵). *رابطه مؤلفه‌های اجتناب‌شناختی و طلاق عاطفی با امید به زندگی زوجین. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبزه شیراز. عسگری، س.، رشیدی، ع.، نقشینه، ط.، و شریفی، س. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق. رویش روان‌شناسی*، ۴، ۱۱۲-۸۷.
- کوروش‌نیا، م.، و طیفیان، م. (۱۳۸۶). *بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. پژوهی*، ۳، ۸۷۵-۸۵۵.

- گاتمن، ج.، سیلور، ن. (۱۳۸۷). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه ارمغان جزایری. تهران، نسل نو اندیش.
- لعلزاده کند کلی، ا.، اصغری چندمتغیری در پژوهش رفتاری. (چاپ دوم) تهران: انتشارات پیک فرهنگ.
- ملکیزاده، ع. ا.، مرادخواه، و.، ملکی، ح.، و حبیب، ح. (۱۳۹۵). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با کنترل عواطف در زوجین. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت خدمات برتر.
- منادی، م. (۱۳۸۳). تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان. *مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان (مطالعات زنان)*. ۲، ۴۰-۵.
- هومن، ح. (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های احمدوند، م.، ع.، احمدوند، پ.، و بابایی، ز. (۱۳۹۶). کاهش کیفیت زندگی و سطح اعتماد زناشویی در طلاق عاطفی، هشتمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- یزدانی، ع.، حقیقتیان، م.، و کشاورز، ح. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲، ۱۸۵-۱۵۹.

References

- Anthony, C. J., DiPerna, J. C., & Amato, P. R. (2014). Divorce, approaches to learning, and children's academic achievement: A longitudinal analysis of mediated and moderated effects. *Journal of school psychology, 52*, 249-261.
- Ayalon, O., & Flasher, A. (2004). *Children & Divorce Chain Reaction*. Israel: Nord Publications.
- Björkenstam, E., Hallqvist, J., Dalman, C., & Ljung, R. (2013). Risk of new psychiatric episodes in the year following divorce in midlife: Cause or selection? A nationwide register-based study of 703,960 individuals. *International Journal of Social Psychiatry, 59*, 801-804.
- Bloom, B. L., Asher, S. J., & White, S. W. (1978). Marital disruption as a stressor: A review and analysis. *Psychological Bulletin, 85*, 867-894.
- Carter-Snell, C., & Hegadoren, K. (2003). Stress disorders and gender: Implications for theory and research les troubles de stress et l'appartenance sexuelle: les implications en matière de théorie et de recherche. *CJNR (Canadian Journal of Nursing Research), 35*, 34-55.
- Cox, W. M., & Klinger, E. (2002). Motivational structure: Relationships with substance use and processes of change. *Addictive Behaviors, 27*, 925-940.
- Cox, W. M., & Klinger, E. (2004). *Handbook of motivational counseling: Concepts, approaches, and assessment(pp.121-138)*: John Wiley & Sons Ltd.
- Donrovich, R., Drefahl, S., & Koupil, I. (2014). Early life conditions, partnership histories, and mortality risk for Swedish men and women born 1915-1929. *Social science & medicine, 108*, 60-67.
- Elliot, A. J., & Church, M. A. (2002). Client articulated avoidance goals in the therapy context. *Journal of Counseling Psychology, 49*, 243-254.

- Fadardi, J. (2003). *Cognitive-motivational determinants of attentional bias for alcohol-related stimuli: Development of an attentional-control training programme*. Unpublished Ph. D. Thesis, University of Wales, Bangor.
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research, 20*, 275-301.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family therapy: An overview*: Cengage learning.
- Jakubski, S. F., Milne, E. P., Brunner, H., & Miller, R. B. (2004). A review of empirically supported marital enrichment programs. *Family Relations, 53*, 528-536.
- Klinger, E., Cox, W., Blount, J., Allen, J., & Columbus, M. (1995). Motivational structure questionnaire (MSQ). IN J. Allen & M. Columbus. *Assasing alcohol problems: A guide for clinicians and researcher* (pp. 399-411). Washington DC: U S. Department of health and human services.
- Kivimäki, M., Sutinen, R., Elovainio, M., Vahtera, J., Räsänen, K., Töyry, S., . . . Firth-Cozens, J. (2001). Sickness absence in hospital physicians: 2 year follow up study on determinants. *Occupational and Environmental Medicine, 58*, 361-366.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies, 48*, 59-75.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication theory, 12*, 70-91.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2004). Communication in intact families. In A. L. Vangelisti (Ed.), *LEA's communication series. Handbook of family communication* (pp. 177-195). Mahwah, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Minuchin, S. (1974). *Families and family therapy*: Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences, 1*, 89-93.
- Olson, D., & Defrain, J. (2006). *Marriage and families*. New York: Mc Graw Hill.
- Russell-Chapin, L. A., Chapin, T. J., & Sattler, L. G. (2001). The relationship of conflict resolution styles and certain marital satisfaction factors to marital distress. *The Family Journal, 9*, 259-264.
- Sbarra, D. A., Emery, R. E., Beam, C. R., & Ocker, B. L. (2014). Marital dissolution and major depression in midlife: A propensity score analysis. *Clinical Psychological Science, 2*, 249-257.
- Sbarra, D. A., Law, R. W., & Portley, R. M. (2011). Divorce and death: A meta-analysis and research agenda for clinical, social, and health psychology. *Perspectives on Psychological Science, 6*, 454-474.
- Shor, E., Roelfs, D. J., Bugyi, P., & Schwartz, J. E. (2012). Meta-analysis of marital dissolution and mortality: Reevaluating the intersection of gender and age. *Social Science & Medicine, 75*, 46-59.
- Tiller, A. E., Garrison, M. B., Block, E. B., Cramer, K., & Tiller, V. (2003). The of parenting styles on children's cognitive influence development. Louisiana: Louisiana

- State University AgCentre. Research Manuscript number 03-36-1302Tiller AE, Garrison MEB, Block EB, Cramer K, dan Tiller V.
- Brooks/Cole Publishing Co. doi: 10.1300/jo86v18no1-06.
- Zubrick, S., Silburn, S., & De Maio, J. (2006). *The western australian aboriginal child health survey: Strengthening the capacity of aboriginal children*. Families and Communities', Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research, Perth.
- Wolcott, I., Hughes, J., & Ilene, W. (1999). Towards understanding the reasons for divorce. [Http// aifs. gov. au. / pablication towards - anderstanding - reasons - divorce/ intruduction](http://aifs.gov.au/publication/towards-understanding-reasons-divorce/introduction).
- Young, M. E., & Long, L. L. (1998). *Counseling and therapy for couples*: Thomson